

تبیین ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران فرح عباسی^۱، حمیدرضا معتمد^۲، علیرضا قاسمی زاد^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران انجام شد. ماهیت پژوهش، کیفی براساس رویکرد نظریه داده‌بنیاد بود. جامعه آماری، صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی و معلمان مقطع ابتدایی بودند، حجم نمونه (۳۷ نفر) به روش هدفمند انتخاب گردید. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق تا رسیدن به مرحله اشباع انجام شد. روایی و پایایی اطلاعات گردآوری‌شده با استفاده از روش ارزیابی گوبا و لینکن صورت گرفت. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی)، براساس یافته‌های پژوهش، ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی شامل: ایجاد جامعه سالم، برقراری صلح و امنیت جهانی، مادام‌العمر بودن یادگیری، جذابیت و تنوع محتوا، تنوع روش‌های تدریس، تنوع شیوه‌های ارزشیابی، نقش رهبر آموزشی معلم، پیوند خانه و مدرسه، دانش‌آموز به‌عنوان عنصر اصلی نظام آموزشی، تحقق ایده‌آل‌های آموزشی و تربیت انسان‌های آینده‌نگر می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی از طریق برنامه‌درسی در مقطع ابتدایی، به نهادینه کردن آموخته‌های مدرسه در رفتار، گفتار و کردار کودکان منجر می‌شود؛ بین سلامت روانی فردی و اجتماعی افراد و آموزش مهارت‌های زندگی رابطه معناداری وجود دارد. ادغام آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه درسی مقطع ابتدایی پیشنهاد پاسخ‌دهندگان بود.

کلید واژه ها: برنامه‌درسی، سلامت روانی، مهارت‌های زندگی.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

^۱ - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.

^۲ - استادیار مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران (نویسنده مسئول).

Hrnotamed@yahoo.com

^۳ - استادیار مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.

مقدمه

یکی از اهداف و وظایف مهم آموزش و پرورش ایجاد زمینه لازم برای رشد همه‌جانبه فرد و تربیت انسان‌های سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است. آموزش و پرورش از نخستین نهادهایی است که همپای جامعه بشری رشد کرده و همگام با تولید دانش و تکنولوژی، زندگی ساده و بی‌آلایش انسان‌های نخستین را به دنیای پیچیده و توسعه‌یافته امروزی تبدیل نموده است (کردنوقانی، مرادی، عزیزی گرمه‌خانی، یعقوبی و لطفی، ۱۳۹۹). آموزش و پرورش نقش مهمی در تقویت دانش و مهارت‌ها برای پرورش فرد، خانواده، جامعه و توسعه ملی دارد، بایستی زمینه برخورداری همه افراد از آموزش و یادگیری فراهم گردد (مازوتا^۱، ۲۰۱۹). نهادهای تربیتی و آموزشی جهت انجام وظایف و نیل به اهداف والای خود از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها برنامه درسی^۲ است که به عنوان نخستین مظهر فلسفه آموزش و پرورش از آن یاد می‌کنند، زیرا مبنای تدوین کتب درسی در مقاطع مختلف تحصیلی است تا معلمان از طریق آن مفاهیم آموزشی را به فراگیران منتقل کنند و اهداف نظام آموزشی را محقق سازند.

برنامه درسی به رشد فکری، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی نوجوانان و جوانان کمک می‌کند و تعهد مشترک برای مسئولیت‌پذیری، مراقبت و مشارکت در امور شهروندی را در بین آن‌ها افزایش می‌دهد (لاوی^۳، ۲۰۲۰). برنامه درسی آینده‌ای است که هویت هر ملتی را نشان می‌دهد، عملکرد فارغ‌التحصیلان یک کشور منعکس‌کننده نوع برنامه درسی آن کشور است (موزاتا، ۲۰۱۷). سرعت تولید دانش و پیشرفت‌های چشمگیر تکنولوژی در هزاره سوم میلادی باعث شده نهادهای تربیتی به آموزش‌های مهارتی و عملی‌گرایش بیشتری داشته باشند تا بدینوسیله نیروی انسانی موردنیاز جامعه تأمین گردد. از طرفی، تحولات صنعتی در سطح جهان، توزیع انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی، بروز جنگ‌ها، وقوع حوادث و بلایای طبیعی (زلزله، سیل)، شیوع انواع بیماری‌ها (ایدز، سرطان، کرونا) و موارد مشابه، سلامت جسمی و روانی کلیه افراد جامعه را تهدید می‌کند. متأسفانه کودکان به دلیل عدم برخورداری از دانش و تجربه کافی، بسیار آسیب‌پذیرند. طبق گزارش

¹ Muzata

² curriculum

³ Lavy

سازمان بهداشت جهانی^۱ (۱۹۹۴) کودکان، نوجوانان و جوانان، همواره در معرض فشارهای مختلفی از جمله فشارهای فردی، اجتماعی و گروه‌های مختلف قرار دارند که نهایتاً به سلامتی و بهداشت روانی آن‌ها آسیب می‌رساند. بسیاری از کودکان و نوجوانان با مشکلات عاطفی و رفتاری روبرو هستند که می‌تواند بر آینده آن‌ها تاثیر منفی داشته باشد (هوانگ، چن، گیرین، چونگ و وی^۲، ۲۰۱۹).

از آنجایی که آسیب‌های جسمی و روانی دوران کودکی تمامی مراحل زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، آموزش مهارت‌هایی که افراد را در برابر آسیب‌های گوناگون محافظت کند، در سرلوحه اقدامات پیشگیرانه سازمان بهداشت جهانی قرار گرفت و با عنوان "مهارت‌های زندگی"^۳ در سراسر جهان معرفی گردید.

هدف اصلی ارائه برنامه آموزش مهارت‌های زندگی این است که جوامع مختلف در سطح جهان، نسبت به گسترش آموزش مهارت‌هایی اقدام کنند که بر رشد توانایی‌هایی مانند حل مسئله، شناخت هیجان‌ها و مقابله با آن‌ها، خودآگاهی، سازگاری اجتماعی و مدیریت استرس در بین کودکان و نوجوانان تأکید دارند (ناستاسی^۴، ۱۹۹۸). سازمان بهداشت جهانی (۲۰۲۰) در کتاب «راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی برای مدارس»، آموزش مهارت‌های زندگی را مقرون به صرفه‌ترین راهکار برای دستیابی به سلامت جسمی و روانی معرفی کرده که می‌تواند از طریق مدارس، دانش‌آموزان را برای رویارویی با بیماری‌های جسمی و روانی توانمند سازد. جامعه ما، با توجه به فرهنگ اسلامی-ایرانی خود، به آموزش آداب زندگی و آن دسته از مهارت‌هایی نیاز دارد که از یک سو دانش‌آموزان را در مسیر زندگی متعادل میان جنبه مادی و معنوی زیست این جهانی یاری دهد و از سوی دیگر، افراد را برای مقابله با چالش‌های زندگی روزمره آشنا کند تا افراد از یک زندگی شاد و موفقیت‌آمیز برخوردار باشند. آنچه که امروزه به عنوان مهارت‌های زندگی نیز وارد برنامه‌های درسی جهان شده است، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرون حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به

1. World Health Organization
2. Chen, Greene, Cheung, & Wei Huang
3. Life Skills
4. Nastasi

برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاسی و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد. آموزش آداب و مهارت‌های زندگی یکی از حوزه‌های یادگیری اساسی در برنامه‌های درسی مدارس کشور ماست که با هدف آشنا کردن دانش‌آموزان با آموزه‌های دینی، اجتماعی و کسب مهارت‌ها در ارتباط با رشد شخصی، روابط بین فردی، روابط فردی-اجتماعی و نحوه برخورد عاقلانه افراد با چالش‌های زندگی روزمره تدوین شده است.

آموزش مهارت‌های زندگی پلی است که فاصله بین آموزش‌های نظری و یادگیری و توانایی‌های عملی را می‌پوشاند و افراد را توانمند می‌سازد تا برای مقابله با چالش‌ها و متناسب با نیازهای خود، درست عمل کنند (یانکی و بیسواز^۱، ۲۰۱۲). انسان‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی با پدیده‌های متعددی روبرو می‌شوند که هر کدام به دانش ویژه‌ای نیاز دارند. مهارت‌های دهگانه سازمان بهداشت جهانی، بسیار ماهرانه و مدبرانه انتخاب شده‌اند و آنچه را هر فردی برای برخورداری از یک زندگی سالم لازم دارد، در نظر گرفته است. سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۴ مهارت‌های "خودآگاهی، تفکر خلاق، تفکر حل مسئله، تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری، ارتباط بین فردی، ارتباط موثر با دیگران، همدلی، مقابله با هیجان‌ها و مدیریت استرس" را به عنوان مهارت‌های زندگی معرفی نمود (نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۵). هدف اصلی سازمان بهداشت جهانی از برنامه آموزش مهارت‌های دهگانه، مجهز کردن تک‌تک افراد جامعه به دانش و مهارت‌هایی است که لازمه زندگی در دنیای پرهیاهوی عصر کنونی است و مدارس، به‌ویژه مقطع ابتدایی نقش پررنگی در این زمینه دارد.

آموزش ابتدایی ضروری‌ترین پایه در زندگی آموزشی یک فرد است، این دوره به دلیل اینکه به توسعه شناختی، عاطفی، و روانی - حرکتی یادگیرندگان منجر می‌شود، باید در هر جامعه‌ای به طور اساسی مورد توجه قرار گیرد (معصومی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). صاحب‌نظران و پژوهشگران دستاوردهای ارزشمند و اجرای موفقیت‌آمیز آموزش مهارت‌های زندگی از طریق برنامه درسی ارائه نموده‌اند.

^۱ Yankey & Biswas

آموزش مهارت‌های دهگانه زندگی به منزله سواد خواندن و نوشتن برای هر فرد است، همانگونه که سواد خواندن و نوشتن از ضروریات زندگی امروزی است؛ برخورداری از مهارت حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر نقادانه، کنترل هیجانات منفی و استرس، توانایی برقراری ارتباط، حل اختلاف، نه گفتن؛ و مهارت‌های دیگر برای زندگی در این عصر ماشینی و تکنولوژیک اجتناب‌ناپذیر است (نوربخش، ۱۳۹۹). آموزش و توسعه مهارت‌هایی مانند ارتباط موثر با دیگران، خودآگاهی، تصمیم‌گیری، تفکر حل مسئله، تفکر انتقادی و تفکر خلاق، برای محافظت انسان‌ها در برابر سوءاستفاده و استثمار دیگران ضروری است (یونیسف، ۲۰۱۵). آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش امید، خودمدیریتی، پیشرفت تحصیلی و بهبود مدارس تاثیر مثبت دارد (وردینگر، نول و کیم^۱، ۲۰۲۰). آموزش مهارت‌های عاطفی، شناختی، رفتاری و تاب‌آوری از طریق برنامه درسی، نقش مهمی در تضمین سلامت فردی کودکان و نوجوانان بازی می‌کنند و به افراد کمک می‌کنند تا با دیگران تعامل و ارتباط موثرتری داشته باشند (ناشیدا و همکاران، ۲۰۱۹). آموزش مهارت‌های زندگی یک برنامه پیشگیرانه و ارتقایی است، این برنامه به منظور ارتقای سطح بهداشت روان و پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی توسط سازمان جهانی بهداشت تهیه شده است (شفیعی، عسکری و محمدی، ۱۳۹۹). مهارت‌های زندگی یعنی ایجاد روابط مناسب و موثر بین فردی، انجام مسئولیت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری صحیح، حل تعارضات و کشمکش‌ها بدون توسل به اعمالی که به خود و دیگران صدمه می‌زند، توانایی انجام رفتارهای سازگارانه و مثبت، به گونه‌ای که فرد بتواند با معضلات و مشکلات زندگی روزمره کنار بیاید و توانایی‌هایی که باعث ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه، غنای روابط انسانی، افزایش سلامت و رفتارهای سالم در سطح جامعه می‌شوند (امامی، ۱۳۹۸). آموزش مهارت‌های زندگی به رشد جسمی، توسعه مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و تفکر دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بتوانند با چالش‌های زندگی کنار بیایند و زندگی خوبی برای خود فراهم کنند (پراجاپاتی و شارما^۲، ۲۰۱۷). ترکیب موزون آموزش‌های مدرسه با یادگیری مهارت‌های زندگی، در افراد نگرشی سالم و سازنده ایجاد می‌کند که نتیجه آن بروز رفتارهای صحیح برای پیشگیری از ناهنجاری‌های روحی خواهد بود (قلعه‌شاهی، ۱۳۹۸). افرادی که مهارت‌های زندگی را کسب نکرده‌اند، قادر نیستند با چالش‌های روزانه زندگی به شکل سالم

¹ Wurdinger & Newell & Kim

² Prajapati & Sharma

برخورد کنند، لذا آسیب‌پذیرند و در صورت بروز مشکلات، به بیماری‌های روانی دچار می‌شوند (امامی، ۱۳۹۸).

باتوجه به دستاوردهای فوق، امروزه بسیاری از کشورها نسبت به آموزش مهارت‌های زندگی از طریق برنامه درسی اقدام نموده‌اند. طبق گزارش یونسف (۲۰۱۲) در حال حاضر ۱۴۵ کشور آموزش مهارت‌های زندگی را در برنامه درسی مدارس ابتدایی و متوسطه پذیرفته‌اند و معتقدند روش‌های سنتی آموزش و پرورش جوابگوی نیازهای نسل کنونی نمی‌باشد. ورکو^۱ (۲۰۱۸) می‌نویسد: آموزش مهارت‌های زندگی در کشور اوگاندا بخش جدایی‌ناپذیر برنامه درسی مقطع ابتدایی است؛ وزارت آموزش و پرورش لسوتو، از طریق برنامه درسی ملی، چالش‌ها و مشکلات زندگی را آموزش می‌دهد تا یادگیرنده به عنوان یک فرد و عضو یک جامعه به آنها عمل کند؛ کشور مالاوی از طریق آموزش ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها به دانش‌آموزان، از گسترش بیماری عفونت‌های مقاربتی به‌ویژه HIV جلوگیری می‌کند. در آفریقای جنوبی و بسیاری از کشورهای آسیای جنوب‌شرقی نیز چنین آموزش‌هایی وجود دارد. کشور هند توسعه آموزش مهارت‌های زندگی را ضروری تشخیص داده و به عنوان عنصری اجباری در برنامه درسی قرار داده است (پراپاجاتی و شارما، ۲۰۱۷). کشور زامبیا از سال ۲۰۱۳ برنامه درسی جدیدی ارائه داده است که مهارت‌های زندگی توسط معلمان آموزش‌دیده به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود (موزاتا، ۲۰۱۹). در ایران بیش از ۹۵٪ مدارس ابتدایی در قالب «طرح کرامت» مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق و انتقادی، مهارت‌های ارتباطی بین‌فردی و ارتباط با دیگران، همدلی و خودآگاهی، در پایه‌های مختلف به صورت فعالیت‌های فوق‌برنامه به کودکان آموزش داده می‌شود (کریم‌زاده، ۱۳۹۳). در نظام آموزشی ایران آموزش مهارت‌های زندگی به‌طور ضمنی یا دروس خاص در دوره‌های گوناگون مورد توجه بوده است، با این حال تحقیقات متعددی نشان می‌دهند نظام آموزشی کشور در آموزش این مهارت‌ها توفیق چندانی نداشته است (ادیب، ۱۳۸۵).

دستیابی به جامعه سالم، در گرو کسب دانش و مهارت‌های اساسی تک‌تک افراد می‌باشد. امروزه سازمان‌های مختلفی در سطح جهان جهت پیشگیری از آسیب‌های بی‌شمار هزاره سوم، آموزش مهارت‌های زندگی را در دستور کار خود دارند، ولی از آنجایی که اکثریت مطلق افراد از سنین

^۱ Worku

خردسالی تا هجده سالگی، عمر خود را در مدارس سپری می‌کنند، بسیاری از کشورها آموزش‌های مذکور را در برنامه درسی مقاطع مختلف، به‌ویژه مقطع ابتدایی تدارک دیده‌اند تا افراد با آمادگی نسبی جهت مقابله با انواع مشکلات وارد جامعه شوند. مدرسه به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای آموزش رسمی کشور که همه کودکان با رسیدن به سن تحصیل وارد آن می‌شوند تا با تمهیدات لازم و مفید، با بالابردن سطح دانش و آگاهی، آن‌ها را در برابر رفتارهای پرخطر و ناسالم اجتماعی محفوظ و مصون نگاه دارد (عامری، دهدار و امیریان، ۱۳۹۹). اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی از طریق برنامه درسی، توجه بسیاری از پژوهشگران را در سطح جهان و ایران به خود جلب نموده و به نتایج مفیدی دست یافته‌اند.

لی^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی نتیجه گرفتند دانش‌آموزانی که مهارت‌های زندگی را کسب کرده‌اند نسبت به گروه گواه، کنترل بیشتری بر عواطف و احساسات عاطفی خود داشتند و میزان افسردگی در بین آنها کاهش چشمگیری داشت. ریوس^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، ضمن بررسی یادگیری مهارت‌های موردنیاز قرن بیست‌ویکم، نتیجه گرفتند یادگیری مهارت ارتباطات شفاهی و کتبی، مهارت حل مسئله، مهارت مشارکت و همکاری با دیگران؛ باعث موفقیت افراد در موقعیت‌های مختلف می‌شود. سینما، نایوین و پرستلی^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «آینده موفق، برنامه درسی موفق»، چشم‌انداز جسورانه‌ای برای برنامه درسی، آموزش و یادگیری ارائه دادند که عبارتند از: دانش‌آموزان به‌عنوان عنصر اصلی برنامه درسی و مشارکت در انتخاب محتوای آموزشی؛ کاهش حجم محتوای آموزشی و توجه به کیفیت محتوا؛ مشارکت فعال معلمان در برنامه درسی با تاکید بر استقلال فکری آن‌ها.

نتایج پژوهش هوانگ و همکاران (۲۰۱۹) دوره کوتاه‌مدت آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش میزان تاب‌آوری نوجوانان چین در برابر مشکلات عاطفی و رفتاری تأثیر مثبتی را نشان داد. مانسی^۴ و همکاران (۲۰۱۴) آموزش مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی، خودآگاهی، ارتباط بین فردی و ارتباط سالم با دیگران را بررسی کردند و نتیجه گرفتند تمرین مهارت‌های یادشده؛ افزایش عزت نفس، تحمل، جامعه‌پذیری و شایستگی‌های عملی را برای دانش‌آموزان به ارمغان آورد.

1. Lee-

2. Rios

3. Sinnema & Nieveen & Priestley-

4. Muns-

هم‌چنین، پژوهش نتائیندا و دل‌امینی^۱ (۲۰۱۹) نشان داد موفقیت آموزش مهارت‌های زندگی از طریق ادغام در برنامه درسی مقدور است.

عروتی عزیز (۱۳۹۹) ضمن بررسی آموزش مهارت‌های زندگی (کنترل خشم، مدیریت اضطراب و استرس، کنترل هیجان‌ها و جرات‌ورزی) در یک دوره ضمن خدمت ۲۴ ساعته برای معلمان، نتیجه گرفت آموزش‌های مذکور سطح سلامت روانی معلمان را ارتقاء بخشیده است. پژوهش رشیدزاده و مرادی (۱۳۹۸) نشان داد آموزش مهارت‌هایی مانند همدلی، ارتباط بین فردی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، تفکر حل مسئله، خودآگاهی، تصمیم‌گیری و ارتباط موثر با دیگران؛ باعث بهبود سلامتی می‌شود. حاج‌حسینی، خورسندی و زندی (۱۳۹۶) در پژوهشی نتیجه گرفتند آموزش مهارت‌های زندگی از طریق مدارس، بر کاهش پرخاشگری و قلدری نوجوانان موثر بوده است. پژوهش بشیری (۱۳۹۴) تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم را مثبت ارزیابی کرد. براساس نتایج پژوهش سبزه (۱۳۹۴) مهارت‌هایی مانند پرورش خلاقیت، تمایل به کار و تلاش مستمر، کنجکاوی، مثبت‌اندیشی، استقلال‌طلبی، میل به موفقیت و مسئولیت‌پذیری را می‌توان از طریق برنامه درسی پیش‌دبستانی به کودکان آموزش داد. میرزایی و حسینی (۱۳۹۴) نشان دادند آموزش مهارت‌های زندگی در رشد شخصیت سالم و تامین بهداشت روانی نوجوانان تاثیر مستقیم دارد و می‌توان گام‌های اساسی در توانمندسازی روانشناختی و هیجانی نوجوانان برداشت.

اهمیت یادگیری در سنین خردسالی و نهادینه‌شدن آموخته‌ها در گفتار و رفتار افراد، ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی از طریق برنامه درسی به کودکان را دوچندان کرده است. آموزش کودکان در سال‌های اولیه زندگی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ عادات، طرز تفکر، عقاید و تمایلاتی که فرد در ایام کودکی کسب می‌کند، اساس موفقیت و یا شکست او در دوره‌های بعدی زندگی را تشکیل می‌دهد و توانمندی‌های رفتار و ویژگی‌های شخصیتی بزرگسالان تحت تاثیر رویدادهایی است که در دوران کودکی برای آنها اتفاق افتاده است (مازوتا، ۲۰۱۹). اجرای برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی در قالب فعالیت‌های یادگیری، خودسازی و خودمختاری با آموزش‌های ویژه، آموزش محیط زیست و کارآفرینی میسر می‌باشد (ناشیدا^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

^۱ Ntinda & Dlamini

^۲ Nasheeda

آموزش مهارت‌های زندگی از طریق برنامه درسی مدارس ابتدایی نتایج مطلوبی به همراه دارد (رودس، لارسون و هربرت^۱، ۲۰۱۸). با توجه به مطالب فوق، در این پژوهش ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت.

سوالات تحقیق

- ۱) برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی چیست؟
- ۲) ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی چیست؟

روش تحقیق

ماهیت این پژوهش کیفی نهاد آموزش و پرورش و سازمان‌های وابسته به آن می‌باشد، جهت گردآوری اطلاعات از روش کیفی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شد که از روش‌های پرکاربرد در حوزه تحقیقات کیفی است. نظریه داده‌بنیاد نوعی پژوهش کیفی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون کمک می‌کند تا در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد، به جای استفاده از تئوری‌های از پیش تعریف شده، تئوری را به طور مستقیم از داده‌ها کشف کنند (استراوس و کوربین^۲، ۱۳۹۳) و مجموعه منظمی از تکنیک‌های کیفی را برای دستیابی به نظریه‌ای در مورد یک پدیده به شیوه استقرایی و اکتشافی مورد استفاده قرار دهد (فراستخواه، ۱۳۹۵). هدف نظریه داده‌بنیاد خلق و نقد طرح‌واره‌های مفهومی است که ماهیت بنیادی و ساختار پدیده‌ها و فرآیند برنامه درسی را قابل فهم می‌کند. به همین دلیل، جهت دریافت دیدگاه‌های دانش‌آموختگان برنامه درسی، مدیران و معلمان مقطع ابتدایی درباره ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی از این روش استفاده شد. از آنجایی که در تحقیقات کیفی به ویژه رویکرد نظریه مبنایی، تخمین حجم نمونه کار ساده‌ای نیست، در انتخاب حجم نمونه دو خصیصه در نظر گرفته شد:

- ۱) تخصص علمی: منظور از تخصص علمی، تحصیلات آکادمیک در رشته برنامه‌ریزی درسی است، زیرا آشنایی با طراحی برنامه درسی به دانش و پشتوانه علمی خاصی نیاز دارد.

^۱ Rhodes & Larson & Herbert

^۲ Strauss & Corbin

۲) تجربه عملی: منظور از تجربه عملی؛ مدیران، معلمان و مربیان مقطع ابتدایی بودند که مستقیماً با دانش آموزان ارتباط داشتند و به اجرای برنامه درسی می‌پرداختند.

براساس ویژگی‌های فوق، و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (از نوع گلوله‌برفی) حجم نمونه انتخاب شد. نمونه‌گیری هدفمند به معنای انتخاب هدف‌دار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است، این نوع نمونه‌گیری به دنبال ایجاد قوانین ثابت، تغییرناپذیر و یا تعمیم نتایج نیست، بلکه سعی در شناخت بهتر هر پدیده در زمینه خاص دارد (پرهیزگار و آقاجانی افروزی، ۱۳۹۰). عملیات نمونه‌گیری با انتخاب خبره‌ترین گزینه در دسترس آغاز شد، سپس از طریق معرفی افراد صاحب‌نظر در مورد برنامه‌ریزی درسی، هم‌چنین معلمان و مدیران مدارس مجری طرح کرامت، سایر گزینه‌ها انتخاب، مصاحبه‌ها آغاز شد و تا رسیدن به مرحله اشباع ادامه داشت. استفاده از روش اشباع در پژوهش‌های کیفی به‌عنوان استاندارد طلایی، پایان نمونه‌گیری در نظر گرفته می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). رسیدن به مرحله اشباع؛ یعنی پژوهشگر عملیات مصاحبه با افراد را تا جایی ادامه می‌دهد که اطلاعات جدید کسب نماید، زمانی که اطلاعات ارائه‌شده تکراری باشد نیازی به ادامه کار نیست. در مجموع با ۳۷ نفر مصاحبه انجام شد (هر مصاحبه بین ۳۵ تا ۵۵ دقیقه ادامه داشت).

هم‌چنین نتایج تحلیل عاملی تأییدی از بررسی روایی و پایایی عناصر برنامه درسی به همراه پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس استخراج‌شده بررسی شد. نتایج نشان داد با توجه به مقدار بارهای عاملی به دست آمده که بیشتر از ۰/۴۰ است و در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ ($p < 0/05$) قرار دارند (تمامی مقادیر بزرگتر از ۱/۹۶ شده است)، نتیجه می‌گیریم که اعتبار سازه تمامی سؤالات تأیید می‌شود. تمامی سؤالات بار عاملی بیشتر از ۰/۴۰ دارند که اعتبار تمامی سؤالات عناصر برنامه درسی را تأیید می‌کند.

مقدار پایایی ترکیبی از حداقل ۰/۸۹ برای مؤلفه روش‌های تدریس و عنصر ارزشیابی؛ تا حداکثر ۰/۹۳ برای مؤلفه عنصر هدف به دست آمده است که این مقادیر پایایی ترکیبی بیشتر از مقدار ۰/۷ است. این مقادیر پایایی، مقدار مورد تأییدی است و گویای این است که پایایی مقیاس عناصر برنامه درسی و مؤلفه‌های آن از نظر آماری تأیید می‌شود. هم‌چنین مقادیر آلفای کرونباخ تمامی مؤلفه‌ها بیشتر از ۰/۷ است که نشان می‌دهد پایایی به روش همساز درونی هم مورد تأیید است.

میانگین واریانس استخراج شده که اعتبار همگرا را می‌سنجد، از حداقل ۰/۶۲ برای مؤلفه عنصر ارزشیابی؛ تا حداکثر ۰/۷۶ برای مؤلفه عنصر محتوا به دست آمده است. مقادیر به دست آمده نشان می‌دهد که اعتبار همگرای تمامی مؤلفه‌ها مقدار مناسبی به دست آمده، در مجموع نتایج نشان از تایید اعتبار و پایایی تمامی مؤلفه‌های ابعاد عناصر برنامه درسی و سؤالات مربوط به آن دارد. فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس رویکرد نظریه داده‌بنیاد در سه مرحله کدگذاری به شرح زیر انجام شد:

الف) کدگذاری باز^۱؛ انتزاع مفاهیم و مقولات از داده‌ها در عین وفاداری به جهان اجتماعی که این داده‌ها می‌خواهند از آن به ما حکایت کنند (فراستخواه، ۱۳۹۵). در این مرحله، تمامی مصاحبه‌ها بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی یادداشت و با استفاده از رویکرد تحلیلی - مقایسه‌ای، سطر به سطر باهم مقایسه شدند، سپس براساس مفاهیم مشابه و ارتباط بین آنها مقوله‌بندی و در جدول ثبت گردید.

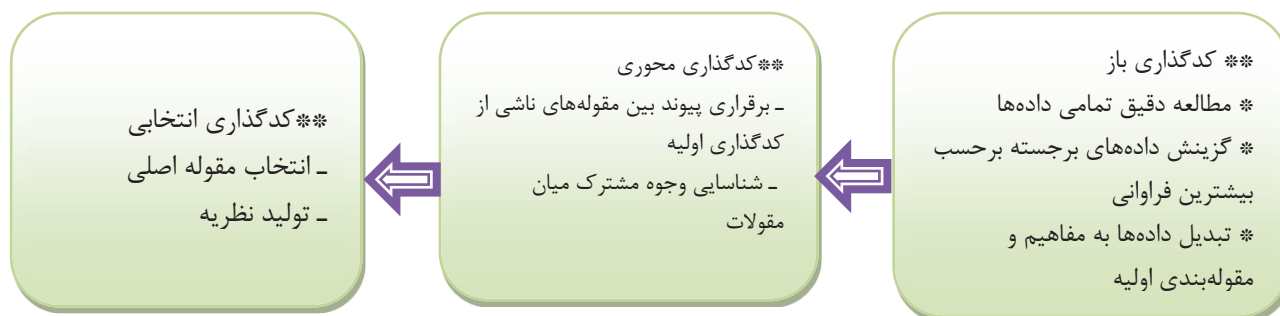
ب) کدگذاری محوری^۲؛ سلسله رویه‌هایی که پس از کدگذاری باز؛ با برقراری پیوند بین مقولات؛ به شیوه جدیدی، اطلاعات به یکدیگر ربط می‌یابند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). در این مرحله مفاهیم اصلی که حول یک محور بودند، دسته‌بندی و مقوله‌ها استخراج گردید.

ج) کدگذاری گزینشی^۳؛ یک مرحله مکانیکی جدا در پایان کار نیست، بلکه در طی کدگذاری باز و محوری، بذره‌های آن جوانه می‌زند (فراستخواه، ۱۳۹۵). پس از انجام هر مصاحبه، اطلاعات گردآوری شده در جداول مربوطه ثبت شد و ضمن انجام مراحل سه‌گانه کدگذاری به‌طور همزمان، فرآیند شناسایی مقوله‌های اصلی (هسته‌ای) و ارتباط آن با زیرمقوله‌ها انجام شد.

1. Open Coding

2. Axial Coding

3. Selective Coding



شکل ۱. فرآیند سه‌گانه کدگذاری بر اساس رویکرد نظریه داده‌بنیاد

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در بخش کیفی براساس رویکرد نظریه داده‌بنیاد و طی سه مرحله کدگذاری انجام شد. نظریه‌مبنایی یک روش پژوهش اکتشافی است و به پژوهشگر امکان می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد، به جای استفاده از تئوری‌های از پیش تعریف شده، خود به تدوین یک تئوری جدید بپردازد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). نظریه‌مبنایی عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی آنها برای پاسخگویی به پرسش‌های جدید به آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه مورد مطالعه هستند. با توجه به مطالب فوق، پس از انجام مصاحبه و ثبت تمامی اظهارنظرهای مشارکت‌کنندگان، همه موارد با دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. پس از بازبینی‌های مکرر نکات مهم و برجسته هر مصاحبه یادداشت، و موارد مشابه و تکراری حذف گردید. سپس مفاهیم گردآوری شده هر یک از پرسش‌ها به طور جداگانه و به ترتیب در جداول مربوطه تنظیم شده‌اند. سپس مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام شده است.

جدول ۱. ثبت مفاهیم گردآوری شده از مصاحبه با شرکت کنندگان

مفاهیم گردآوری شده از پرسش اول: برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی چیست؟

در نظر گرفتن مهارت‌های مورد نیاز دانش آموزان در همه سطوح؛ کلیه عناصر براساس ضرورت‌ها و بایسته‌هاست؛ آماده کردن کودکان برای سازگاری با محیط زندگی؛ تامین سلامت روانی فرد و جامعه از طریق در هم تنیدگی مفاهیم نظری و عملی؛ آموزش یادگیری چگونه یاد گرفتن؛ تاکید همزمان بر تغییر دانش، نگرش و مهارت‌آموزی؛ مادام العمر بودن آموزش و یادگیری؛ آموزش روش‌های تصمیم‌گیری، تفکر خلاق و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران از طریق برنامه درسی؛ پرورش تفکر حل مسئله، خلاقیت و پرهیز از انجام امور یکنواخت و قدیمی؛ پیشگیری از آسیب‌های مختلف از طریق برنامه درسی؛ فراهم کردن زمینه پیشرفت همه‌جانبه فردی و اجتماعی؛ نیاز برنامه‌ریزان درسی به پشتوانه علمی قوی؛ آشنا کردن معلمان با اهداف آموزش مهارت‌های زندگی و ارائه آموزش‌های لازم قبل از اجرای برنامه؛ آشنا کردن کودکان با مسائل و مشکلات تهدیدآمیز برای جامعه بشری جهت مراقبت از محیط‌زیست؛ ارتباط تنگاتنگ برنامه درسی با زندگی واقعی فراگیران؛ تبدیل مهارت‌های زندگی به عادات رفتاری مثبت؛ تدارک زندگی شاد و سالم؛ اجتناب از گرایش به موادمخدر و مشروبات الکلی؛ به‌روز و متناسب بودن برنامه درسی با نیازها و خواسته‌های دانش‌آموزان در همه مقاطع تحصیلی؛ حذف برخی از مهارت‌ها و جایگزین کردن مهارت جدید؛ تحقق یادگیری مادام‌العمر؛ تاکید بر یادگیری عملی؛ همخوانی برنامه درسی با تعریف جدید یونسکو از سواد؛ تلاش برای ایجاد صلح و امنیت جهانی؛ آموزش عملی مهارت‌های همدلی و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران و احساس لذت نوع‌دوستی و خدمت به دیگران؛ پرورش انواع تفکر، مدیریت استرس و هیجان‌ها؛ مهارت گفتگو و ارتباط با دیگران نوبدبخش آینده‌ای روشن برای جامعه بشری؛ تحقق اهداف نظام آموزشی در تربیت انسان‌های شایسته و متعهد؛ شناخت افکار، تمایلات و احساسات خود از طریق آموزش مهارت خودآگاهی؛ آمادگی برای کنار آمدن با مصیبت‌ها، ناکامی‌ها و شکست‌های مختلف زندگی.

داده‌ها گردآوری شده از پرسش دوم: ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی چیست؟

سازگار نمودن کودکان با شرایط موجود جامعه؛ توانمندی در بیان خواسته‌های خود؛ تقویت توانایی تصمیم‌گیری مشارکتی؛ آموزش استفاده مناسب از ابزار الکترونیک و فضای مجازی؛ کاربردی بودن برنامه درسی با زندگی واقعی؛ به‌روز بودن محتوا و راهبردهای یاددهی و یادگیری؛ انعطاف‌پذیری برنامه با توجه به زمان، مکان و محیط‌های زندگی؛ مبتنی بودن بر یافته‌های علمی؛ تنوع در زمینه محتوا، فعال بودن دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری؛ توجه به سطوح مختلف حیطه‌های شناختی با تاکید بر سطوح بالای شناختی؛ استفاده از رویکردهای مشارکتی و متنوع در ارزشیابی؛ ارائه بازخورد فوری به دانش‌آموزان؛ تناسب و همخوانی بین اهداف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی؛ افزایش مهارت گفتگو و برقراری ارتباط سالم با دیگران و تعامل بین دانش‌آموزان؛ جدید بودن برنامه درسی با توجه به نیازها و علائق فراگیران؛ پرورش روحیه پژوهش و نوآوری در کودکان و رسیدن به استقلال فکری؛ تصمیم‌گیری مناسب برای آینده خود؛ بهبود تحصیلی دانش‌آموزان؛ آموزش همدلی و مهربانی با انسان‌ها به کودکان؛ پرورش روحیه مقاومت و شکیبایی در کودکان؛ تامین سلامت جسمی و روانی افراد و ایجاد جامعه سالم و پیشرفته؛ آشنا کردن دانش‌آموزان با خطرات ناشی از مواد مخدر و مشروبات الکلی و پیشگیری از گرایش به آنها؛ آموزش روش کنترل انواع عوامل استرس‌زا و مدیریت هیجان‌ها؛ کنار آمدن با انواع شکست‌ها یا مرگ عزیزان؛ آموزش شیوه روابط سالم اجتماعی؛ پایبندی به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و قومیتی، احترام گذاشتن به فرهنگ سایر ملتها و آمادگی برای زندگی دردهکده جهانی؛ تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در فراگیران؛ توانایی کشف استعدادها، علائق و نیازهای کودکان؛ تقویت منطق تصمیم‌گیری همراه با استدلال؛ کاهش رفتارهای پرخطر، خشونت و آزاررساندن به دیگران؛ کمک به خودشناسی و خودآگاهی جهت کشف استعدادها و توانایی؛ ارتقاء و توسعه مهارت‌های ارتباطی؛ توسعه همدلی و مهربانی با همه انسان‌ها فارغ از هر نژاد، مذهب و قومیت؛ کاهش اضطراب، افسردگی، یاس و ناامیدی، خودکشی و غیره؛ تقویت و پرورش قوای فکری و استدلال منطقی؛ تلاش برای برقراری صلح و امنیت جهانی، مبارزه با جنگ‌طلبی و تجاوز به حریم دیگر کشورها؛ مراقبت و محافظت از محیط‌زیست؛ ایجاد آمادگی برای مقابله با مشکلات و بلایای طبیعی؛ پرورش هوش هیجانی در کودکان و آموزش شیوه مناسب استفاده از هیجان‌های مختلف؛ آموزش پیشگیری از هیجان‌های مخرب که سلامت روانی را تهدید می‌کند؛ دستیابی نظام آموزشی به انتظارات و توقعات جوامع؛ پرورش شهروندانی مسئول، اندیشمند و متفکر جهت خدمت به جامعه بشری؛ آموزش برنامه‌ریزی و توانمندساختن افراد جهت تصمیم‌گیری برای آینده شغلی و اجتماعی؛ نقش راهنما و رهبر آموزشی معلم؛ تقویت روحیه کاوشگری، تسخیر کهنکشان‌ها و کشف ناشناخته‌های عالم هستی؛ تاکید بر تغییرات رفتاری دانش‌آموز در ارزشیابی

در مرحله پاسخ‌دهی به سؤالات پژوهش، داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با مشارکت کنندگان در مرحله کدگذاری باز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. طی این فرآیند، ابتدا مفاهیم اساسی هر سوال به صورت جداگانه استخراج گردید. سپس کلیه مفاهیم مشابه و مشترک در یک جدول قرار گرفتند. ابعاد الگوی کدگذاری محوری عبارتند از: شرایط علی؛ پدیده محوری؛ راهبردها؛ زمینه؛ شرایط مداخله‌گر (میانجی) و پیامدها می‌شود، ساماندهی شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳).

شرایط علی: حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (عامل اصلی ایجاد کننده پدیده مورد مطالعه).

پدیده: فکر و ایده محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای که سلسله کنش‌های متقابل به سوی آن رهنمون می‌شوند تا آن‌ها را اداره، یا با آن‌ها برخورد کنند.

زمینه: سلسله خصوصیات ویژه‌ای که بر پدیده‌ای دلالت می‌کند (محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده‌ای در طول طیف بعدی است و نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش متقابل صورت می‌گیرد).

شرایط میانجی یا مداخله‌گر: شرایط ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارد و بر راهبردهای کنش متقابل اثر می‌گذارند و آن‌ها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند، یا آن‌ها را محدود و مفید می‌کنند.

پیامدها: نتیجه و حاصل کنش‌های متقابل یا خروجی حاصل از به کارگیری راهبردها.

جدول ۲. مرحله کدگذاری محوری

یافته‌های استخراج شده از فرآیند کدگذاری باز و مقوله سازی در مرحله کدگذاری محوری

مقوله اصلی	محوری	گذاری	مفاهیم، ویژگی‌ها و زیرمقوله‌ها
شرایط علی	ضرورت‌ها		سلامت روانی جامعه بشری: نیاز فردی و اجتماعی به سلامت جسمی و روانی؛ سلامت زیست محیطی و تاثیر آن بر سلامت انسان‌ها؛ زندگی مسالمت‌آمیز با دیگر هموعان؛ تلاش برای ایجاد صلح و آرامش جهانی.
	اهداف		اهداف کلی: آماده کردن کودکان و نوجوانان به عنوان شهروندان شایسته برای زندگی در هزاره سوم؛ فراهم کردن بستر صلح و آرامش جهانی؛ فراهم کردن زمینه سلامت روانی همه افراد جامعه.
پدیده (مقوله محوری)	محتوا		اهداف جزئی: تقویت روحیه تحقیق و پژوهش در کودکان و نوجوانان؛ توسعه مهارت‌های مورد نیاز زندگی فردی و اجتماعی؛ مسئولیت‌پذیری در برابر نسل‌های آینده از طریق تصمیم‌گیری عاقلانه و هوشمندانه
			برنامه درسی صریح: آموزش مهارت‌های دهگانه سازمان بهداشت جهانی از طریق برنامه درسی دوره ابتدایی؛ آموزش مهارت‌های شناختی، ارتباطی و مقابله‌ای در قالب داستان در کتب درسی؛ طراحی محتوای کتب علوم و ریاضی در قالب فعالیت‌های پژوهشی، آزمایشگاهی و حل مسئله.
			برنامه درسی پنهان: طراحی محتوای همه دروس جهت پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان؛ ایجاد ارتباط بین یادگیری و زندگی فردی و اجتماعی؛ پرورش حس نועدوستی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با همسالان.

روش تدریس	<p>تناسب آموزش با دانش و تکنولوژی: استفاده از روش‌های متناسب با زمان و موقعیت آموزش براساس پیشرفت‌های دانش و تکنولوژی. رویکردهای جدید تدریس: روش‌های نمایشی و ایفای نقش برای آموزش همه مهارت‌های زندگی؛ روش‌های اکتشافی، گردش علمی و آزمایشگاهی برای دروس علوم پایه و مطالعات اجتماعی؛ روش تحقیق و پژوهش برای کلیه دروس؛ روش کار گروهی برای کلیه دروس به ویژه درس ورزش؛ روش داستان‌سرایي و دکلمه برای آموزش مهارت‌های ارتباطی، همدلی و مهربانی.</p>
	<p>رویکرد دانش‌آموز - محوری: اولویت یادگیری عملی بر حفظ مطالب و حافظه نظری؛ مشارکت فعال فراگیران در فرآیند یاددهی - یادگیری. ارزشیابی رفتاری: مشاهده تغییرات رفتاری دانش‌آموز در موقعیت‌هایی مثل: تصمیم‌گیری مناسب، برقراری ارتباط موثر با معلم و همکلاسی‌ها، همدلی با دوستان خود هنگام گرفتاری آنها، حضور بدون استرس آنها در جلسات امتحانی؛ مشاهده مسئولیت‌پذیری و مشارکت دانش‌آموز در فعالیت‌های فوق‌برنامه و اردوهای تفریحی - علمی؛ گزارش ارزیابی همسالان در محیط آموزشی.</p>
ارزیابی	<p>ارزشیابی رفتاری: بررسی کارپوشه فعالیت‌های دانش‌آموز در طول سال تحصیلی؛ بررسی گزارش والدین از رفتار دانش‌آموز در منزل؛ بررسی گزارش مدیر، معلم و سایر کارکنان مدرسه از رفتار دانش‌آموز در محیط آموزشی. خودارزیابی: بررسی گزارش ارزیابی دانش‌آموزان از رفتار خود در محیط مدرسه و ارتباط با سایر دانش‌آموزان؛ ارزیابی توسط همسالان (دانش‌آموزان از رفتار همدیگر) به روز بودن معلم: کسب دانش لازم پیرامون اهداف آموزش مهارت‌های زندگی؛ آشنایی با آخرین یافته‌های روانشناسی درباره رشد و توجه به تفاوت‌های فردی کودکان؛ آشنایی با شیوه‌های نوین آموزشی.</p>
	<p>معلم در نقش رهبری آموزشی: ایفاگر نقش رهبری آموزشی نه انتقال‌دهنده دانش؛ پرورش اعتمادبه‌نفس، تقویت هوش هیجانی و ایجاد انگیزه در فراگیران از طریق مشارکت آنها در فرآیند یادگیری.</p>
منابع آموزشی	<p>مجری برنامه درسی: باور قلبی به هنر معلمی به عنوان عامل اصلی دستیابی به اهداف والای نظام آموزشی. تدوین کتب درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی؛ تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی متناسب با مهارت‌های زندگی؛ تهیه فیلم‌ها و کتب آموزشی مرتبط با آموزش مهارت‌های زندگی.</p>
	<p>کلاس درس متناسب با اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی؛ ارتباط بین موقعیت جغرافیایی مدرسه و مهارت‌های موردنیاز؛ فراهم بودن کتابخانه، کارگاه و آزمایشگاه جهت اجرای برنامه.</p>
زمان آموزش	<p>آغاز آموزش مهارت‌های زندگی از دوران کودکی (دبستان و پیش‌ازدبستان)؛ تخصیص زمان مناسب برای تمرین عملی مهارت‌ها در کلاس درس؛ تخصیص زمان مناسب برای آموزش‌های برنامه درسی صریح و پنهان.</p>
	<p>برنامه‌ریزان درسی: به‌روزرسانی دانش و تخصص برنامه‌ریزان درسی با اجرای برنامه؛ ایجاد هماهنگی بین آموزش مدرسه‌ای و یادگیری در منزل؛ نظارت مستمر والدین بر نحوه آموزش مهارت‌های زندگی در خانه و مدرسه.</p>
موانع پیشین	<p>مجریان برنامه درسی: دوره‌های آموزشی ضمن خدمت مستمر برای مدیران، معلمان و سایر کارکنان مدرسه.</p>
	<p>حامیان نظام آموزشی: حمایت همه‌جانبه وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای مرتبط از اجرای برنامه. یادگیری رسمی: انتقال دانش از طریق آموزش‌های رسمی و برنامه درسی صریح در کلاس درس.</p>
تداوم یادگیری	<p>یادگیری غیررسمی: یادگیری از طریق برنامه درسی پنهان در فضای مدرسه، ارتباط با سایر دانش‌آموزان، فعالیت‌های فوق برنامه و تشکل‌های دانش‌آموزی. یادگیری مادام‌العمر: تداوم یادگیری در خانواده، کاربرد یادگیری در زندگی روزمره و سنین مختلف.</p>
	<p>تناسب و همخوانی بین عناصر برنامه درسی؛ به‌روز بودن اهداف، محتوا و راهبردهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر تازه‌ترین یافته‌های علمی؛ استفاده از شیوه‌های نوین تدریس؛ تاکید بر آموزش عملی همراه با تمرین و تکرار؛ تاکید بر رویکردهای مشارکتی و کار گروهی در برنامه درسی؛ ارتباط برنامه درسی با تجارب زندگی فراگیران؛ به‌کارگیری روش‌های متنوع در ارزشیابی؛ مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری؛ آموزش برنامه‌ریزی برای آینده، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و آمادگی برای ورود دانش‌آموزان به جامعه فردا؛ ارائه بازخورد فوری به دانش‌آموزان؛ تبدیل آموخته‌ها به رفتار و عادت مثبت در دانش‌آموزان از طریق تکرار و تمرین.</p>
تسهیلات	

کمک به خودشناسی و درک توانایی‌ها و استعدادها، نیازها و علائق خود؛ تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در فراگیران؛ توجه به سطوح مختلف حیطه‌های شناختی با تاکید بر سطوح بالای شناختی؛ پیشرفت تحصیلی از طریق روش‌های حل مسئله؛ تقویت روحیه کاوشگری، پژوهش، خلاقیت در دانش‌آموزان جهت کشف ناشناخته‌های عالم هستی؛ توانایی حل مسائل و مشکلات روزمره؛ توانایی در بیان خواسته‌ها و احقاق حقوق مسلم خود؛ استفاده بهینه از دانش و تکنولوژی جدید (ابزار الکترونیک، رسانه‌های گروهی...)؛ تقویت تفکر انتقادی و مهارت نه گفتن به وسوسه‌های دیگران؛ پرورش قوای فکری و استدلال منطقی در افراد و تشخیص اطلاعات و اخبار درست از نادرست؛ توانایی تصمیم‌گیری مشارکتی؛ استقلال فکری در تصمیم‌گیری برای آینده شغلی و اجتماعی

آموزش مهارت ارتباط سالم و ایجاد تعامل بین دانش‌آموزان؛ تقویت مهارت گفتگوی منطقی و سالم بین دانش‌آموزان؛ سازگاری کودکان با شرایط موجود جامعه و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگران؛ تقویت حس ناعدوستی، برقراری عدالت و رفع تبعیض؛ مبارزه با جنگ طلبی، تلاش برای حفظ امنیت و صلح جهانی؛ تمرین همدلی و مهربانی با انسان‌ها از دوران کودکی؛ احترام و وفاداری به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی کشور خود و دیگر ملتها؛ آماده‌ساختن دانش‌آموزان برای زندگی در دهکده جهانی.

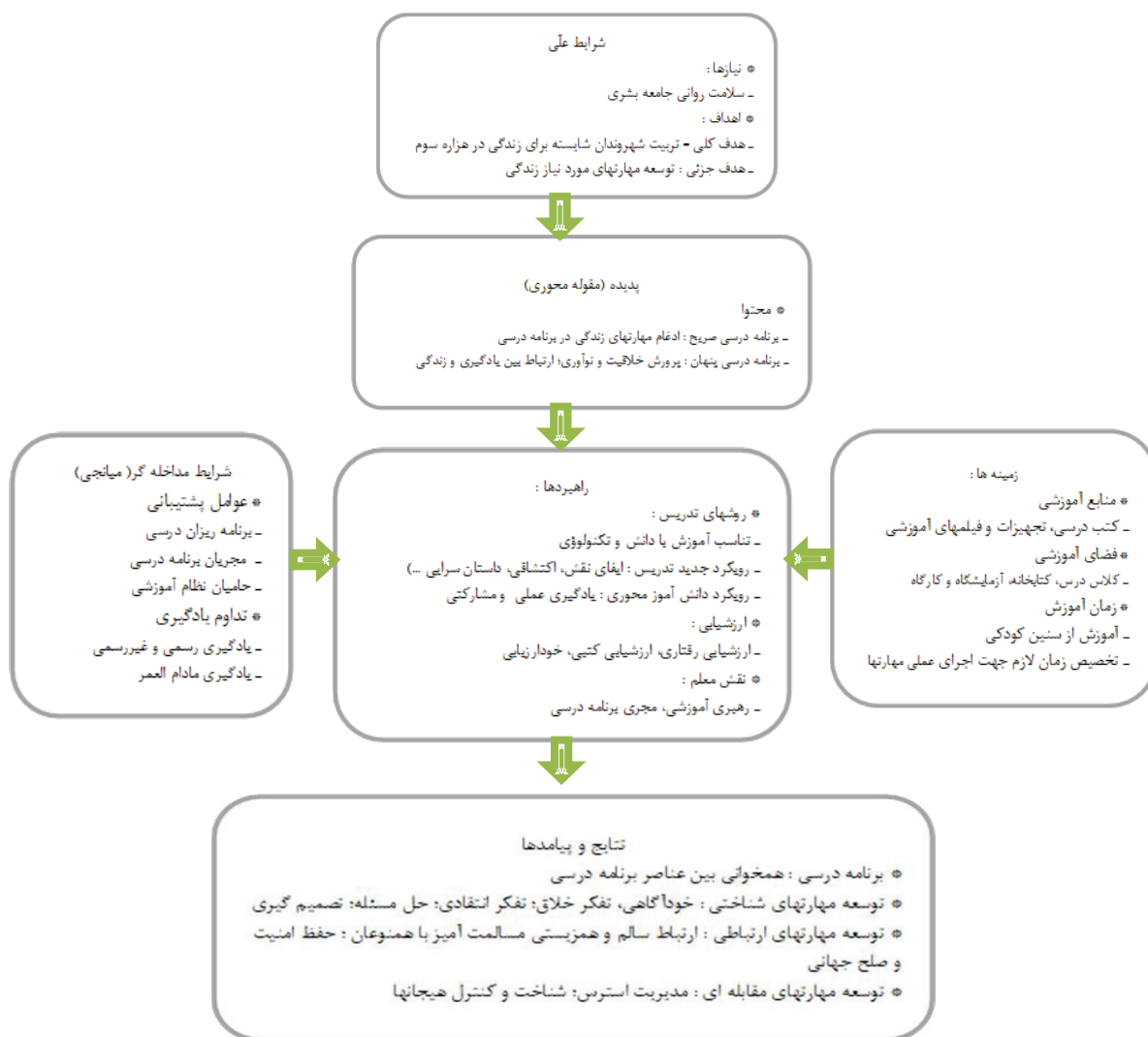
آموزش مهارت‌های شادزیستن و لذت بردن از زندگی سالم؛ آشناکردن کودکان با عوامل استرس‌زا و شیوه‌های مقابله با آن؛ تقویت روحیه شکیبایی در برابر مشکلات و اجتناب از استرس‌های بی‌مورد؛ آشنایی با انواع هیجان‌ها و تاثیر آنها بر سلامت روانی؛ شناخت شیوه‌های مختلف مهار و کنترل هیجان‌ها؛ اجتناب از پرخاشگری، خشونت و آزاررساندن به خود و دیگران؛ پیشگیری از انواع افسردگی، خودکشی و تامین سلامت روانی افراد.

دسته مهارت‌های شناختی

دسته مهارت‌های ارتباطی

دسته مهارت‌های مقابله‌ای

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، پس از اجرای مصاحبه و استخراج مفاهیم اساسی مرتبط با برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مدل پارادایمی موردنظر پس از انجام مراحل سه‌گانه کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) ترسیم گردید که در شکل زیر نشان داده شده است.



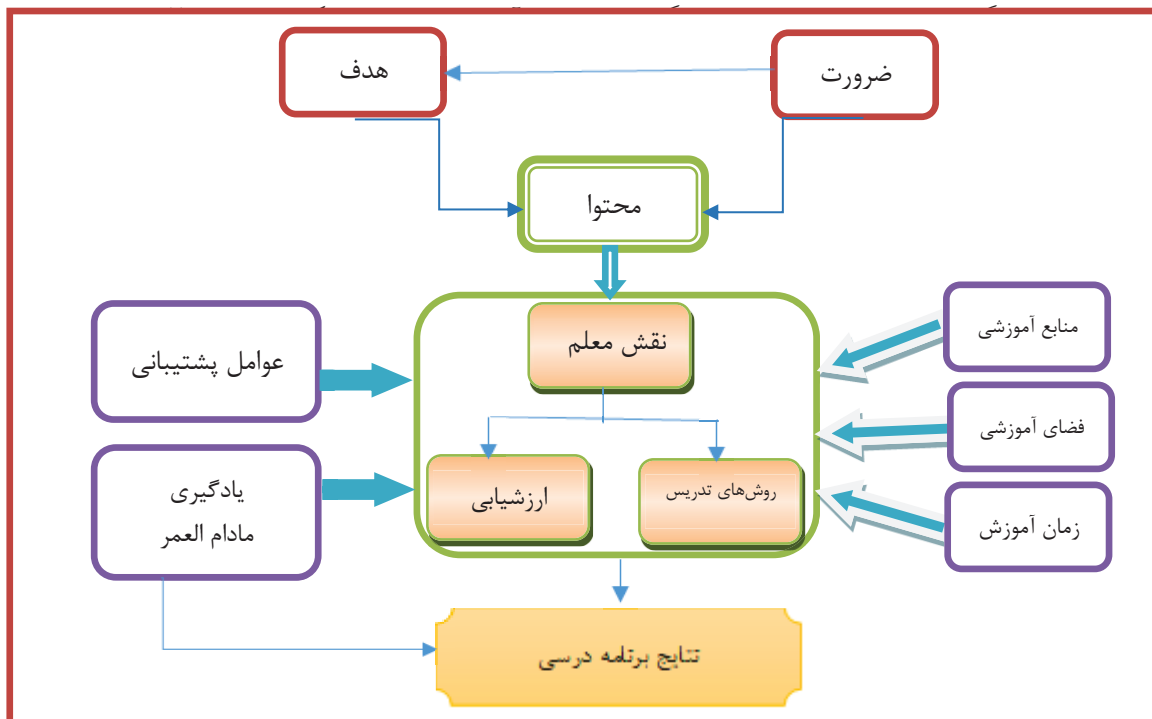
شکل ۲. الگوی پارادایمی محقق ساخته از برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی در نظام

آموزشی ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد

کدگذاری انتخابی، یک مرحله مکانیکی جدا در پایان نیست بلکه در طی کدگذاری باز و محوری، بذره‌های آن جوانه می‌زند. (گراندد تئوری) پا به پای مفهوم‌سازی و مقوله‌ای کردن و به

ویژه با تشکیل خوشه‌های مقوله‌ای و با کشف پدیده، منجر به یک نظریه می‌شود و با تکمیل داده‌ها، به صورت تجمعی و تحولی، ارتباط این جزییات را بازنمایی می‌کند، به سطح نظریه‌پردازی ارتفاع می‌گیرد و در نهایت اشباع داده‌ها و خلاقیت لازم، نظریه‌ای درباره موقعیت مورد تحقیق خویش می‌پرورداند. این به بیان اشتراوس و کوربین رسیدن به یک الگوی پارادایمی است و به بیان گلیسر، منجر به ظهور یک نظریه از دل داده‌ها و معانی انتزاع شده یک موقعیت انسانی و اجتماعی است (فراست‌خواه، ۱۳۹۵).

بدین ترتیب، در آخرین گام نظریه داده‌بنیاد با استفاده از فرآیند کدگذاری انتخابی الگوی پارادایمی برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران طراحی گردید. درحقیقت، پژوهشگر در این مرحله براساس تجارب و برداشت خویش از پدیده محوری مدل پارادایمی کدگذاری محوری، هم‌چنین با الهام گرفتن از متون و منابع مکتوب مرتبط با عنوان پژوهش (ادبیات نظری)، انجام مصاحبه‌های مجدد با شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های قبلی، دریافت راهنمایی‌ها و نظرات اصلاحی متخصصان و اساتید دانشگاه، اقدام به ترسیم نهایی الگوی مفهومی خود کرده است. سپس به منظور اعتباربخشی به الگوی نهایی، از نظرات ۴ نفر از اساتید دانشگاه (عضو انجمن برنامه‌ریزی درسی)، ۵ نفر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی و ۶ نفر از معلمان مجری برنامه طرح کرامت در مقطع ابتدایی استفاده نمود که الگوی طراحی شده مورد تأیید قرار گرفت. الگوی مفهومی نهایی « برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران » براساس کدگذاری انتخابی در شکل زیر نمایش داده شده است.



شکل ۳. مدل مفهومی برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی در نظام آموزشی ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد

پس از ترسیم الگوی مفهومی، جهت گردآوری اطلاعات با هدف اعتبارسنجی از اقدامات انجام شده، پرسشنامه‌ای با ۱۱ گویه طراحی و در اختیار ۲۵ نفر از دانش‌آموختگان برنامه‌ریزی درسی و معلمان خبره قرار گرفت تا میزان موافقت خود را در مورد هر یک از گویه‌ها و مؤلفه‌های مربوطه، با انتخاب یکی از نمره‌های ۱ تا ۹ اعلام نمایند. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان تجزیه و تحلیل گردید، نمرات ۱ تا ۴ نامناسب و نمرات ۵ تا ۹ مناسب در نظر گرفته شد. براساس نتایج، میزان رضایت شرکت‌کنندگان از مؤلفه‌ها، بالای ۹۴٪ بود و اعتبار اقدامات انجام شده مورد تأیید قرار گرفت و نتایج حاصله در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳. پرسشنامه اعتبارسنجی مدل مفهومی

ارزیابی کلی الگو	اجزای الگو		سوال
	میانگین	درصد فراوانی	
مؤلفه‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی	نامناسب	مناسب	
	۷/۴۲	۴/۶	۹۵/۴
	به طور کلی تا چه حد مفاهیم و متغیرهای مطرح شده را مناسب الگوی برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای نظام آموزشی ایران می‌دانید؟		
	۷/۸	۵/۶	۹۴/۴
	لطفاً میزان موافقت خود را با عوامل مطرح شده در مولفه هدف بیان فرمائید.		
	۸/۱	۴/۷	۹۵/۳
	میزان موافقت خود را با عوامل مطرح شده در مولفه محتوا بیان فرمائید.		
	۷/۶	۵/۷	۹۴/۳
	میزان موافقت خود را با عوامل مطرح شده در مولفه روش‌های تدریس بیان فرمائید.		
	۸/۶	۲/۱	۹۷/۹
	میزان موافقت خود را با هر یک از عوامل مطرح شده در مولفه ارزشیابی فرمائید.		
	۸/۴	۰	۱۰۰
	میزان موافقت خود را با مولفه‌های مهارت‌شناختی مورد نیاز کودکان اعلام فرمائید.		
۸/۳	۱	۹۹	
میزان موافقت خود را با مولفه‌های مهارت ارتباطی مورد نیاز کودکان اعلام فرمائید.			
۸/۴	۲/۱	۹۷/۹	
میزان موافقت خود را با مولفه‌های مهارت مقابله‌ای مورد نیاز کودکان اعلام فرمائید.			
۷/۶	۱/۳	۹۸/۷	
میزان موافقت شما با مولفه‌های مربوط به نقش معلم در برنامه درسی			
۶/۷	۵/۵	۹۴/۵	
میزان موافقت شما با مولفه‌های مربوط به نقش فضای آموزشی در برنامه درسی			
۷/۵	۴/۵	۹۵/۵	
میزان موافقت شما با مولفه‌های مربوط به نقش منابع آموزشی در برنامه درسی			
۶/۸	۴/۷	۹۵/۳	
میزان موافقت شما درباره مولفه‌های مربوط به زمان آموزش مهارت‌های زندگی			

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، میزان رضایت شرکت‌کنندگان از مؤلفه‌ها، بالای ۹۴٪ بود و اعتبار اقدامات انجام شده مورد تأیید قرار گرفت. جهت بررسی پاسخ به پرسش اصلی پژوهش حاضر با توجه به اینکه برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران چه ویژگی‌هایی دارد، جهت شناسایی معیارهای لازم جهت تبیین ویژگی‌های برنامه

درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی، تمامی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه، در مرحله کدگذاری باز تحلیل گردید و نهایتاً ۶۹ مفهوم با حداقل پنج فراوانی استخراج گردید. در گام دوم، مفاهیم مرتبط با موضوعات مشابه در یک مقوله قرار گرفتند و براساس اشتراک مفهومی و زمینه‌های مرتبط، عملیات کدگذاری محوری انجام شد و ۱۴ مقوله با مفاهیم انتزاعی تری استخراج و براساس ابعاد شش‌گانه نظریه داده‌بنیاد بررسی شد.

جدول ۴. مقوله‌های استخراج‌شده از تحلیل مفاهیم گردآوری‌شده

مفاهیم مشترک استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری اولیه	مقوله‌های اصلی کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱،۱- ایجاد جامعه سالم	۱- سیاست‌های کلان	تربیت علمی
۲،۱- پرورش حس نوع‌دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز در دهکده جهانی	آموزشی و تربیتی	
۳،۱- برقراری امنیت و صلح در جهان		
۱،۲- توسعه مهارت‌های موردنیاز جهت تامین سلامت روانی فردی و اجتماعی	۲- اهداف و چشم‌اندازها	
۲،۲- مادام‌العمر بودن یادگیری و کسب مهارت‌های زندگی متناسب با شرایط زندگی		پدیده اصلی
۱،۳- تدوین کتب درسی براساس سرفصل مهارت‌های زندگی سازمان بهداشت جهانی		
۲،۳- ملموس بودن محتوای آموزشی با تجارب زندگی واقعی فراگیران	۳- جذابیت و تنوع محتوا	
۳،۳- انعطاف‌پذیری و تناسب محتوا با موقعیت جغرافیایی فراگیران		
۴،۳- تاکید بر پرورش تفکر اخلاقی، حل مسئله و استدلال منطقی		راهبردها
۵،۳- تقویت روحیه احترام و وفاداری به هنجارهای فرهنگی کشور خود و دیگر ملت‌ها		
۶،۳- تناسب محتوا با توانایی‌ها، نیازها و علایق دانش‌آموزان		
۱،۴- تنوع شیوه‌های تدریس متناسب با محتوا (ایفای نقش، اکتشافی، گردش علمی؛ کار گروهی، ...)	۴- تنوع روش‌های تدریس	
۲،۴- تناسب روش‌های آموزشی با دانش و تکنولوژی روز		
۳،۴- تاکید بر آموزش عملی همراه با تمرین به جای پرداختن به دانش نظری		
۱،۵- تنوع در روش‌های ارزشیابی متناسب با محتوای آموزشی		
۲،۵- ارزشیابی از تغییرات رفتاری دانش‌آموز در موقعیت‌های واقعی		
۳،۵- مشارکت والدین در فرآیند ارزشیابی فرزندان	۵- تنوع شیوه‌های ارزشیابی	
۴،۵- مشارکت سایر کارکنان در ارزشیابی از رفتار فراگیر در محیط آموزشی		
۵،۵- توسعه روحیه خودارزیابی و کنترل رفتار خود در موقعیت‌های مختلف		
۱،۶- تاکید بر نقش معلم به عنوان رهبر آموزشی		
۲،۶- تسلط بر آخرین یافته‌های روانشناسی تربیتی و مسئولیت‌پذیری در برابر نسل آینده	۶- معلم به عنوان رهبر آموزشی	
۳،۶- تسلط بر شیوه‌های نوین تدریس، تکنولوژی جدید و رسانه‌های گروهی		

مقوله‌های اصلی کدگذاری باز	کدگذاری محوری
مفاهیم مشترک استخراج شده از مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری اولیه	
۴٫۶- فراهم کردن زمینه دانش‌افزایی معلمان	
۵٫۶- مشارکت معلمان در فرآیند تدوین برنامه درسی	
۱٫۷- نظارت مستمر والدین بر فعالیت‌های آموزشی	۷- پیوند خانه و مدرسه
۲٫۷- مشارکت والدین در فرآیند یاددهی-یادگیری و ارزشیابی فرزندان در مدرسه و منزل	
۳٫۷- توسعه آموزش مهارت‌زندگی به والدین	
۱٫۸- توسعه توانایی استقلال فکری و تصمیم‌گیری مشارکتی در موقعیت‌های مختلف	۸- دانش‌آموز به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام آموزشی
۲٫۸- مشارکت در انتخاب محتوا و نحوه اجرای برنامه درسی	
۳٫۸- تاکید بر شناخت توانایی‌ها، علائق و نیازهای فراگیران	
۴٫۸- توسعه رویکرد دانش‌آموز-محوری و مشارکت فعال فراگیران در فرآیند یاددهی-یادگیری	
۵٫۸- تشکیل گروه‌های دانش‌آموزی جهت یادگیری بهتر محتوای دروس	
۶٫۸- توسعه مهارت برنامه‌ریزی برای آینده شغلی، استقلال مالی و پرورش تفکر خلاق	۹- گسترده‌نگی حامیان برنامه درسی
۱٫۹- حمایت زیست‌شناسان، روانشناسان، جامعه‌شناسان از نظام آموزشی و برنامه درسی	
۲٫۹- حمایت والدین از انعطاف‌پذیری برنامه درسی و هماهنگی مطلوب بین عناصر	
۳٫۹- تقویت پشتوانه علمی برنامه‌ریزان و معریان برنامه درسی	
۴٫۹- تامین بودجه موردنیاز اجرای برنامه توسط سیاستگذاران نظام آموزشی	
۵٫۹- حمایت سازمان‌های فرهنگی از توسعه مهارت‌های شهروندی با توجه به زمان و مکان	
۶٫۹- حمایت سازمان‌های اقتصادی - اجتماعی از توسعه مهارت‌های تفکر خلاق و اشتغال‌زایی	
۱٫۱۱- حضور فعال و موفق در گروه‌ها و تشکلهای اجتماعی	۱۱- تحقق ایده‌آل‌های آموزشی
۲٫۱۱- انتخاب سبک زندگی سالم	
۳٫۱۱- آمادگی برای تشکیل زندگی مشترک و مدیریت خانواده	
۴٫۱۱- تقویت روحیه خودباوری، مسئولیت‌پذیری و آمادگی برای ورود به جامعه فردا	
۵٫۱۱- ارائه بازخورد فوری به دانش‌آموزان و توسعه توانایی حل مسائل و مشکلات روزمره	
۶٫۱۱- تبدیل آموخته‌ها به رفتار و عادات مثبت از طریق تکرار و تمرین	
۷٫۱۱- پیشرفت تحصیلی براساس توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی	
۸٫۱۱- توانایی بیان خواسته‌ها و احقاق حقوق مسلم خود	
۹٫۱۱- تقویت روحیه کاوشگری و پژوهش، خلاقیت و نوآوری	
۱۰٫۱۱- آشنایی با عواقب سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و اجتناب از آنها	
۱٫۱۲- آموزش مهارت ارتباط سالم و تعامل در محیط آموزشی	۱۲- توسعه مهارت‌های ارتباطی سالم
۲٫۱۲- آموزش روش‌های مطلوب دوست‌یابی و توسعه روابط صمیمانه با دیگران	
۳٫۱۲- آموزش و تقویت مهارت گفتگوی منطقی و سالم بین دانش‌آموزان	
۴٫۱۲- ایجاد محیط آموزشی شاد و بانشاط	
۵٫۱۲- حفظ حریم دوستی و پرهیز از افراط و تفریط در برقراری رابطه با دیگران	

عوامل زمینه‌ای

تربیت مدار خلاقه گر

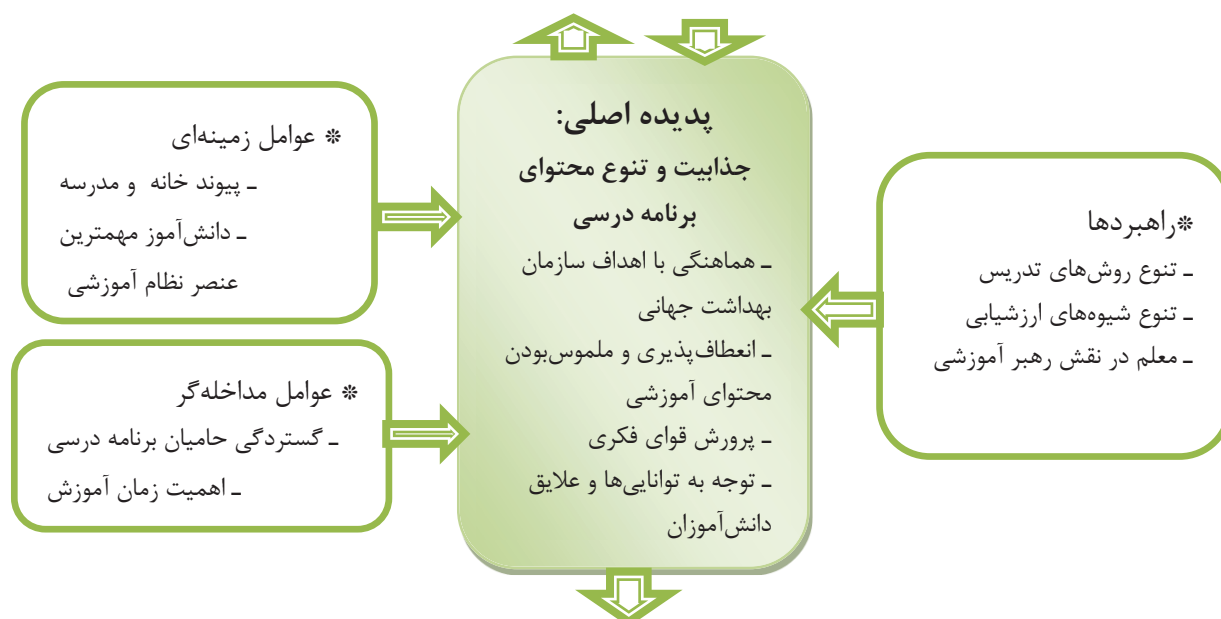
نیامده‌ها

مفاهیم مشترک استخراج شده از مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری اولیه	مقوله‌های اصلی کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۶،۱۲- تمرین همدلی و مهربانی با انسانها از دوران کودکی		
۷،۱۲- ارتباط سالم با اعضای خانواده، دوستان و نزدیکان		
۱،۱۳- آموزش مهارت‌های شادزیستن و لذت بردن از زندگی سالم	۱۳- توسعه مهارت‌های هیجانی	
۲،۱۳- آشنایی با عوامل استرس‌زا و شیوه‌های مقابله با آن		
۳،۱۳- تقویت روحیه صبر و بردباری در برابر مشکلات و اجتناب از استرس‌های بی‌مورد		
۴،۱۳- آشنایی با انواع هیجان‌های مثبت و منفی و شیوه‌های مختلف مهار و کنترل آنها		
۵،۱۳- اجتناب از پرخاشگری، خشونت و آسیب‌رساندن به خود و دیگران		
۶،۱۳- آشنایی با عوامل ایجاد افسردگی و پیشگیری از خودکشی		
۱،۱۴- مسئولیت‌پذیری در برابر محیط زیست و پیشگیری از نابودی طبیعت	۱۴- تربیت انسان‌های آینده‌نگر	
۲،۱۴- مسئولیت‌پذیری در برابر نگهداری از ذخائر ملی برای نسل‌های آینده		
۳،۱۴- پرورش روحیه مدیریت بحران در برابر حوادث و بلایای طبیعی		
۴،۱۴- تربیت شهروندان شایسته و مسئولیت‌پذیر در برابر جامعه کنونی و نسل‌های آینده		

پس از استخراج مقوله‌ها و زیرمجموعه‌های مربوطه، جهت اعتبارسنجی الگوی پژوهش، پرسشنامه‌ای براساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت، طراحی و در اختیار ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه، مدیران و معلمان مقطع ابتدایی قرار گرفت، اعتبار الگو با میانگین ۹۴٪ تایید شد. در پایان الگوی پژوهش ترسیم گردید، براساس الگوی پژوهش، شرح ابعاد شش‌گانه مقوله‌ها به شرح زیر است.

شرایط علی: سیاست‌های کلان و اهداف آموزشی - تربیتی

* ایجاد جامعه سالم * صلح و امنیت جهانی * مادام‌العمر بودن یادگیری



* پیامدها: موفقیت برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی

تحقق ایده‌آل‌های آموزشی؛ توسعه مهارت‌های ارتباطی سالم؛ توسعه مهارت‌های هیجانی؛ تربیت انسان‌های آینده‌نگر

شکل ۴. الگوی ویژگی‌های برنامه درسی بر مهارت‌های زندگی مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران

- ❖ پدیده اصلی: حادثه یا اتفاق اصلی که سلسله کنش‌های متقابل برای کنترل و اداره کردن آن‌ها معطوف می‌گردد. انتخاب مقوله "جذابیت و تنوع محتوای برنامه درسی" به عنوان پدیده اصلی، به این دلیل که تمامی ابعاد و عناصر در محتوای آموزشی نمایان می‌شوند.
- ❖ شرایط علی: حوادث و وقایعی هستند که به وقوع یا رشدن پدیده اصلی منتهی می‌شود. مقوله‌های "سیاست‌های کلان و اهداف آموزشی - تربیتی"، به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده است. زیرا هدف اصلی سازمان بهداشت جهانی توسعه سلامت روانی فردی جهت ایجاد جامعه سالم می‌باشد که در پرتوی آن صلح و امنیت در جهان برقرار خواهد شد. پدیده محوری و شرایط علی از هم تاثیر و تاثیر می‌پذیرند.
- ❖ راهبردها (کنش‌های متقابل): تعاملات و فعالیت‌های هدفداری که نسبت به پدیده اصلی حساسیت نشان می‌دهند. تنوع روش‌های تدریس؛ تنوع شیوه‌های ارزشیابی و معلم در نقش رهبر آموزشی؛ به عنوان راهبردهای پژوهش در نظر گرفته شد، زیرا هر یک از مولفه‌های فوق پدیده محوری را تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهند.
- ❖ عوامل زمینه‌ای: نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای که راهبردها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. دانش آموز به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام آموزشی و پیوند خانه و مدرسه، بستری مناسب برای ایجاد تغییرات مثبت در نگرش و رفتار افراد جامعه می‌باشد.
- ❖ عوامل مداخله‌گر (میانجی): شرایط کلی که بر چگونگی کنش متقابل اثر می‌گذارند و می‌توانند تسهیل‌کننده یا بازدارنده باشند. گستردگی حامیان برنامه درسی و اهمیت زمان در آموزش به عنوان عوامل مداخله‌گر در نظر گرفته شدند، زیرا اجرای موفقیت‌آمیز برنامه درسی به حمایت و پشتیبانی علمی، عملی و مالی نیاز دارد. عامل زمان نیز در اثربخشی آموزش و تمرین عملی بسیاری از مهارت‌ها و مفاهیم علمی بسیار حائز اهمیت است.
- ❖ پیامدها: نتیجه و حاصل کنش‌های متقابل یا خروجی حاصل از به‌کارگیری راهبردهاست. تحقق ایده‌آل‌های آموزشی؛ توسعه مهارت‌های ارتباطی سالم؛ توسعه مهارت‌های هیجانی و

تربیت انسان‌های آینده‌نگر به عنوان پیامدهای فرآیند پژوهش انتخاب شد که از پدیده محوری نشأت می‌گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی نظام آموزشی ایران انجام شد. پس از تحلیل یافته‌ها با استفاده از رویکرد نظریه‌مبنایی، ویژگی‌های بارز این برنامه‌شناسایی و با نظریه‌های صاحب‌نظران برنامه درسی و نتایج پژوهش‌های مربوطه مقایسه شد. تحقق یک جامعه صددرصد سالم شاید یک آرمان باشد، ولی تلاش برای کاهش مشکلات و چالش‌های موجود و نزدیک شدن به ایده‌آل‌ها بی‌نتیجه نخواهد بود. نخستین ویژگی برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی، تأمین سلامت روانی فردی جهت ایجاد جامعه سالم، برقراری صلح و امنیت جهانی با تأکید بر یادگیری مادام‌العمر بود که در قالب سیاست‌های کلان، اهداف چشم‌اندازها ارائه شد. یافته‌ها با عقاید شایلاجا^۱ (۲۰۰۵) مبنی بر آموزش مهارت‌های موردنیاز دانش‌آموزان جهت تأمین سلامتی‌شان از طریق برنامه درسی مدارس؛ دیدگاه ایکسینگ^۲ (۲۰۱۵)، آموزش مهارت شهروند جهانی از طریق برنامه درسی برای ایجاد صلح و آرامش جهانی؛ پژوهش پاراجاپاتی و شارما (۲۰۱۷) و تأکید سازمان بهداشت جهانی (۲۰۲۰) مبنی فراهم کردن زمینه یادگیری در همه مراحل زندگی جهت مقابله با خطرات بی‌شماری که جامعه بشری را تهدید می‌کند، همسو بود. هم‌چنین، انتخاب محتوای مناسب، نه تنها موجب تحقق اهداف، بلکه زمینه‌ساز ارزشیابی مبتنی بر هدف‌ها و مبین کارایی درونی (میزان دانش، بینش و توان کسب‌شده در فراگیران) و کارایی بیرونی (کیفیت زندگی و بازار کار) نظام تربیتی خواهد بود (الهی‌قمشی، ناطقی و سیفی، ۱۳۹۴). جذابیت، تنوع و انعطاف‌پذیری محتوای آموزشی به عنوان مهمترین ویژگی پژوهش انتخاب شد. یافته‌ها با نتایج پژوهش (یاسمی و همکاران، ۱۳۹۹) مبنی بر نظام‌های آموزشی خلاق و آینده‌نگر در گذشته نمی‌مانند و توقف نمی‌کنند؛ پژوهش لاوی (۲۰۲۰)، شناسایی توانمندی‌ها، استعدادها و نقاط قوت دانش‌آموزان از طریق برنامه درسی؛

¹ Shailaja

² Xing

(میشل^۱، ۲۰۱۶) توجه به نیازها، علایق و شرایط خاص دانش‌آموزان از طریق برنامه درسی ملی؛ همسو بود. جانکر، مارز و ووگت^۲ (۲۰۲۰) نیز موفقیت برنامه درسی را در انعطاف‌پذیری و سازگاری آن با نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان تلقی کردند. تنوع روش‌های تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و معلم در نقش رهبر آموزشی؛ از دیگر ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی است که با دیدگاه‌های زیر همسو بود. نظام آموزشی باید از طریق الگوهای نوین و خلاق آموزشی، دانش‌آموزان را برای مقابله با بحران‌های زندگی، بهره‌گیری از فرصت‌ها، توانایی‌ها و خلاقیت‌های خویش آماده کند (مایرز، ۱۳۹۵). مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری و خودارزیابی؛ مشارکت اولیاء در فرآیند ارزشیابی و نقش رهبر آموزشی معلم و مشارکت وی در تدوین و طراحی برنامه درسی، موفقیت برنامه را تضمین می‌کند. براساس پژوهش وردینگر و همکاران^۳ (۲۰۲۰) آموزش مهارت‌های زندگی بر خودمدیریتی، پیشرفت تحصیلی و بهبود مدارس تاثیر مثبت داشت. ناشیدا و همکاران^۴ (۲۰۱۹) به خودسازی و خودکنترلی دانش‌آموزان از طریق آموزش مهارت‌های زندگی جهت حفظ محیط‌زیست و کارآفرینی باور داشتند. موزاتا^۵ (۲۰۱۷) معلمان را معماران برنامه درسی معرفی کرد که می‌توانند باعث موفقیت یا سقوط آن شوند. (لاوی، ۲۰۲۰) بر مشارکت معلمان در طراحی برنامه درسی تاکید داشت. برقراری پیوند خانه - مدرسه و معرفی دانش‌آموز به عنوان مهمترین عنصر نظام آموزشی، از دیگر ویژگی‌های مورد تائید مصاحبه‌شوندگان بود. سینیمیا و همکاران^۶ (۲۰۲۰) دانش‌آموزان را عنصر اصلی نظام آموزشی معرفی کردند و بر مشارکت آنها در انتخاب محتوای آموزشی تاکید داشتند. امینی گلستانی و نورآبادی^۷ (۱۳۹۷) مشارکت کودکان در فرآیند یادگیری از طریق برنامه درسی را ضروری دانستند. بورگیس و سایورتنس^۸ (۲۰۲۰) مشارکت و نظارت والدین در امور مدرسه بر پیشرفت تحصیلی فرزندان را مثبت ارزیابی کردند. پشتوانه علمی برنامه‌ریزان، گستردگی حامیان برنامه درسی (رهبران و سیاستمداران جامعه، نظام آموزشی، خانواده‌ها، معلمان، دانش‌آموزان، ...) و اهمیت زمان آموزش، از دیگر ویژگی‌های مورد تائید مصاحبه‌شوندگان با دیدگاه خبرگان تربیتی هماهنگی داشت. طبق پژوهش میشل^۹ (۲۰۱۶) طراحی برنامه درسی ماهیت انسانی دارد،

³ Mitchell

⁴ Jonker & März & Voogt

¹ Burgess & Sievertsen

تصمیم‌گیری درباره آن به دانش و آگاهی خاص نیاز دارد، موفقیت آن به حمایت و رهبری مدیران سطوح بالای جامعه، حمایت و مشارکت مدارس و معلمان، توجه به خواسته‌ها و علایق دانش‌آموزان و نیازهای جامعه بستگی دارد. آموزش و یادگیری دوران کودکی فواید مادام‌العمر و بین‌نسلی دارد (سالووینا، ۲۰۲۰). یادگیری مهارت‌های موردنیاز زندگی فردی و اجتماعی کودکان در سنین خردسالی ضروری است و توانمندی‌های رفتاری و شخصیتی بزرگسالان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مازوتا، ۲۰۱۹). دستیابی به ایده‌آل‌های آموزشی، توسعه مهارت‌های ارتباطی سالم، توسعه مهارت‌های هیجانی و تربیت انسان‌های آینده‌نگر، ویژگی برجسته و پیامد نهایی برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان بود که با اهداف سازمان بهداشت جهانی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مطابقت داشت. طبق گزارش یونیسف (۲۰۱۲) پذیرش آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه درسی ابتدایی و متوسطه توسط ۱۴۵ کشور، مبین این حقیقت است. یونیسف (۲۰۱۵) آموزش مهارت‌های زندگی را برای محافظت افراد جامعه در برابر سوءاستفاده و استثمار دیگران ضروری دانسته است. پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۲۰)، ریوس و همکاران (۲۰۲۰)، هوانگ و همکاران، نتایندا و دل‌امینی (۲۰۱۹)، عروتی‌عزیز (۱۳۹۹)، رشیدزاده و مرادی (۱۳۹۸)، حاج‌حسینی و همکاران (۱۳۹۶)، بشیری (۱۳۹۴)، سبزه، میرزایی و حسینی (۱۳۹۴) همگی بر اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی دوران کودکی تأکید داشته‌اند.

با توجه به مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران، می‌توان نتیجه گرفت چهار مقوله: تحقق ایده‌آل‌های آموزشی؛ توسعه مهارت‌های ارتباطی سالم؛ توسعه مهارت‌های هیجانی؛ تربیت انسان‌های آینده‌نگر (بعد پیامدها) به عنوان ویژگی‌های برجسته این پژوهش، برای تمامی مقاطع تحصیلی نظام آموزشی ایران قابل قبول است و دستاوردهای مفیدی به همراه خواهد داشت.

در عصر پرتلاطم صنعتی و توسعه همه‌جانبه دانش و تکنولوژی، نیاز جامعه بشری به سلامت جسمی و روانی در اولویت همه امور است، و آموزش بهترین ابزار ممکن جهت نیل به این هدف والاست. نظام آموزشی بایستی آموزش مهارت‌های زندگی را در سرلوحه خویش قرار دهد تا از طریق برنامه درسی در کلیه مقاطع تحصیلی بتواند مهارت‌های اساسی و اولیه را به افراد آموزش دهد و سلامتی فردی و اجتماعی را تامین نماید. اگر این آموزش‌ها از سنین خردسالی و از مقاطع

پیش دبستانی و دبستان آغاز شود، قطعاً نتایج مطلوبی به همراه خواهد داشت و به صورت عادات رفتاری نهادینه می‌شوند و در مراحل بعدی زندگی به کار گرفته خواهند شد، بنابراین پیشنهاد می‌شود: با توجه به مقوله‌های استخراج‌شده، این پژوهش می‌تواند به عنوان یک تلنگر، صاحب‌نظران و متخصصان برنامه درسی ایران را به این نکته جلب نماید که جهت‌دستیابی به اهداف سازمان بهداشت جهانی مبنی بر تامین سلامت روانی افراد جامعه، از طریق برنامه درسی، نسبت به آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان اقدام نمایند.

هم‌چنین، مدل‌های پارادایمی و مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش، می‌تواند به عنوان چارچوبی جهت طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش مهارت‌های زندگی برای مقطع ابتدایی و سایر مقاطع تحصیلی مورد استفاده صاحب‌نظران و خبرگان قرارگیرد تا با تحقیقات گسترده‌تر، نسبت به طراحی برنامه درسی کامل و جامعی اقدام نمایند که با اهداف آموزش مهارت‌های زندگی سازمان بهداشت جهانی هماهنگ باشد. از آنجایی که بیشتر اطلاعات گردآوری‌شده توسط افرادی صورت گرفته که به طور مستقیم با کودکان و نوجوانان در ارتباط هستند و اهداف نظام آموزشی توسط آن‌ها تحقق می‌یابد، مدل مفهومی پژوهش می‌تواند معیار مناسبی برای مطالعات و پژوهش‌های بیشتر و دقیق‌تر مورد استفاده برنامه‌ریزان درسی باشد. معلمان و به‌طور کلی کادر اداری و آموزشی مدرسه به آموزش‌های مداوم و همگام با تحولات جامعه نیاز دارند. بنابراین فراهم‌نمودن زمینه لازم جهت آموزش‌های قبل از خدمت و ضمن خدمت بسیار ضروری است. برخورداری از سلامت جامعه در گرو سلامت تک‌تک افراد جامعه می‌باشد، آموزش مهارت‌های دهگانه سازمان بهداشت جهانی از سنین کودکی، به توانمندی همه جانبه انسان‌ها در مراحل بعدی زندگی منجر خواهد شد و سلامت روانی جامعه را تأمین خواهد کرد. بنابراین بایستی روش‌های نوین آموزشی و مشارکت همه‌جانبه دانش‌آموزان در برنامه درسی مورد توجه جدی قرار گیرد. برنامه درسی مبتنی بر مهارت‌های زندگی حداقل بین ایده‌آلها و واقعیت‌هاست که بر تمرین و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری تأکید دارد. این امر به حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه نهاد آموزش و پرورش، همچنین مشارکت اولیاء و نظارت مستمر آن‌ها بر اجرای مطلوب برنامه، نیاز دارد، بایستی همه امکانات آموزشی و کمک آموزشی اعم از فضای آموزشی، کتابخانه، آزمایشگاه و سایر تجهیزات فراهم گردد و از تمرکزگرایی پرهیز گردد.

منابع

- ادیب، یوسف. (۱۳۸۵). بررسی میزان دستیابی نوجوانان ایرانی به مهارت‌های زندگی، **روانشناسی دانشگاه تبریز**، ۱(۴): ۱-۱۵.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۹۹۶). **اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی - رویه‌ها و روش‌ها**. مترجم: محمدی، بیوک. (۱۳۹۳). تهران. ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الهی‌قمشی، سیف‌اله، ناطقی، فائزه و سیفی، محمد. (۱۳۹۴). ارزیابی برنامه‌درسی اخلاق اسلامی دانشگاه‌ها از منظر استادان دروس معارف اسلامی. **مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی**، ۷(۲): ۶۹-۹۶.
- امامی، مینو. (۱۳۹۸). ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان. **هفته‌نامه سلامت**. مجموعه تعلیم و تربیت.
- امینی‌گلستانی، رضوانه و نورآبادی، سولماز. (۱۳۹۷). **طراحی الگوی برنامه درسی دوره پیش‌دبستانی براساس نظریه تربیتی پرورش جسم، ذهن و عاطفه پستالوژی**، دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، تعلیم و تربیت.
- بشیری، محمد، کرامتی، محمدرضا و پورکریمی، جواد. (۱۳۹۴). **بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم شهرستان کامیاران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- پرهیزگار، محمدمهدی و آقاجانی‌افروزی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). **روش‌شناسی تحقیق پیشرفته در مدیریت با رویکرد کاربردی**، تهران. انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- حاج‌حسینی، منصوره، خورسندی‌شیرخان، محمد و زندی، نروز. (۱۳۹۶). آموزش مهارت‌های زندگی در هنرستان‌ها؛ راهبردی ضروری و موثر جهت کاهش پرخاشگری و قلدری. **نشریه آموزش و ارزشیابی**، ۱۰(۴): ۱۵۱-۱۶۹.
- رشیدزاده، عبدالله و مرادی، فریبا. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر یادگیری مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان، **پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش**، ۱۶(۲): ۱۰۲-۱۱۲.
- سبزه، بتول. (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه‌درسی و مربیان، **فصلنامه مطالعات پیش‌ازدبستان و دبستان**، ۱(۱): ۹۳-۱۰۹.
- شفیعی، صابر، عسکری، بهروز و علی‌محمدی، رضا. (۱۳۹۹). **مهارت‌های زندگی، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش**، ۲۲: ۸۷-۱-۱.

- عامری، مهدی، دهدار مجتبی و امیریان، محمد. (۱۳۹۹). آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، *مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*. ۳(۱۱): ۳۵-۴۴.
- عروتنی عزیز، مرضیه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان سلامت روان معلمان خانم دوره ابتدایی، *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*. ۲۵(۳): ۱۱۷-۱۳۲.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۵). *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه*، تهران: نشر آگاه.
- قلعه‌شاهی، صنیع‌اله. (۱۳۹۸). رویکردی جامعه‌شناختی به فلسفه آداب و مهارت‌های زندگی. *مجله رشد آموزش اجتماعی*، ۱۴(۱): ۲۳-۳۹.
- کردنوقانی، رسول، مرادی، زینب، عزیزی گرمه‌خانی، زهرا، یعقوبی، ابولقاسم و لطفی، سلمان. (۱۳۹۹). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی براساس ناگویی هیجانی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهر همدان. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۳(۲۹): ۲۵ تا ۲۵.
- کریم‌زاده، اسماعیل. (۱۳۹۳). *آموزش آداب مهارت‌های زندگی اسلامی* (مجموعه کتاب‌های راهنمای معلم طرح کرامت)، تهران: انتشارات یادمان هنر اندیشه.
- مایرز، جت. *آموزش تفکر انتقادی*، مترجم: ابیلی، خدایار. (۱۳۹۵). تهران: انتشارات سمت.
- معصومی‌نژاد، رضا؛ فتحی‌آذر، اسکندر؛ محمودی، فیروز و ادیب، یوسف. (۱۳۹۹). تبیین بسترهای آزادسازی برنامه درسی در دوره ابتدایی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۷(۲): ۲۲-۳۸.
- میرزایی، سیدحسین و حسینی، جعفر. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی در راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان نوجوانان شهرستان بجنورد، *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۷(۲): ۴۱۷-۴۰۵.
- نجفی، مهدی و یعقوبی، حمید. (۱۳۸۵). *آموزش مهارت‌های زندگی*، تهران: معاونت آموزشی و پژوهشی هلال احمر ایران.
- یاسمی، صدیقه، حسینی‌خواه، علی، کیان، مرجان، گرامی‌پور، مسعود و حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۹۹). مدرسه خلاق، چیستی و چگونگی در دوره ابتدایی، *فصلنامه نوآوری آموزشی*، ۱۹(۷۵): ۳۲-۷.

- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194): 105.
- Huang, C. C., Chen, Y., Greene, L., Cheung, S., & Wei, Y. (2019). Resilience and emotional and behavioral problems of adolescents in China: Effects of a short-term and intensive mindfulness and life skills training. *Children and Youth Services Review*, 100: 291-297.
- Jonker, H., März, V., & Voogt, J. (2020). Curriculum flexibility in a blended curriculum Australasian. *Journal of Educational Technology*, 36(1): 68-84.
- Lavy, S. (2020). A review of character strengths interventions in twenty-first-century schools: Their importance and how they can be fostered, *Applied Research in Quality of Life*, 15(2): 573-596.

- Lee, M. J., Wu, W. C., Chang, H. C., Chen, H. J., Lin, W. S., Feng, J. Y., & Lee, T. S. H. (2020). Effectiveness of a school-based life skills program on emotional regulation and depression among elementary school students: A randomized study, **Children and Youth Services Review**, 118: 105-121.
- Mitchell, B. (2016). Curriculum Construction and Implementation, **International Journal of Liberal Art and Social Science**, 4(4):45-56.
- Munsi, K., Guha, D., Bengal, W., & Bengal, W. (2014). Status of life skill education in teacher education curriculum of saarc countries: A comparative evaluation, **Journal of Education and Social Policy**, 1(1): 93-99.
- Muzata, K. K., & Thomas, N. (2019). **The Practice based Model: A Proposed Training Package for Special Education Trainee Teachers in Zambia**. Marvel publishers.
- Muzata, K. K. (2017). **Curriculum implementation for learners with special education needs: the case of selected inclusive and special schools in Zambia**. Unpublished doctoral thesis. Pretoria, South Africa: University of South Africa. URI: <http://hdl.handle.net/10500/24571>.
- Nasheeda, A., Abdullah, H. B., Krauss, S. E., & Ahmed, N. B. (2019). A narrative systematic review of life skills education: effectiveness, research gaps and priorities, **International Journal of Adolescence and Youth**, 24(3): 362-379.
- Nastasi, B. K. (1998). A model for mental health programming in schools and communities: Introduction to the mini-series, **School Psychology Review**, 27(2): 165-174.
- Ntinda, K. & Dlamini, P. S. (2019). Educator self-perceived life skills education implementation practices: An exploratory study, **Journal of Psychology in Africa**, 29(5): 520-526.
- Prajapati, R., Sharma, B., & Sharma, D. (2017). Significance of life skills education. **Contemporary Issues in Education Research (CIER)**, 10(1): 1-6.
- Rhodes, D., Larson, K., & Herbert, P. (2018). Effect of a Primary Prevention Intervention on Resilience of Elementary-Aged Students, **Journal of Elementary Education**, 28(1): 1-12.
- Rios, J. A., Ling, G., Pugh, R., Becker, D., & Bacall, A. (2020). Identifying critical 21st-century skills for workplace success: A content analysis of job advertisements, **Educational Researcher**, 49(2): 80-89.
- Saloviita, T. (2020). Attitudes of teachers towards inclusive education in Finland, **Scandinavian Journal of Educational Research**, 64(2): 270-282.
- Shailaja, T. (2005). **A study on the effectiveness of the School AIDS Education Programme in Trivandrum Education District** (Doctoral dissertation, SCTIMST).
- Sinnema, C., Nieveen, N., & Priestley, M. (2020). Successful futures, successful curriculum: What can Wales learn from international curriculum reforms? **The Curriculum Journal**, 31(2): 181-201.

- UNICEF. (2015). **Review of the life skills education program:** Maldives.
- Unicef. (2012). **Global evaluation of life skills education programmes,** New York: United Nations Children's Fund.
- World Health Organization. (2020). **Life skills education school handbook:** prevention of noncommunicable diseases: approaches for schools.
- World Health Organization. (1994). **Life skills education for children and adolescents in schools,** Training workshops for the development and implementation of life skills programmes.
- Worku, D.T. (2018). **The integration of Life Skills into the General Secondary Schools, Curriculum of ETHIOPIA:** practices and perspectives. A PhD Dissertation Submitted to the School of Graduate Studies of Addis Ababa University, in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Curriculum Design and Development.
- Wurdinger, S., Newell, R., & Kim, E. S. (2020). Measuring life skills, hope, and academic growth at project-based learning schools, **Improving Schools**, 23(3): 264-276.
- Xing, J. (2015). Global citizenship education in Hong Kong, **International Journal of Information and Education Technology**, 5(2): 136.
- Yankey, T., & Biswas, U. N. (2012). Life skills training as an effective intervention strategy to reduce stress among Tibetan refugee adolescents, **Journal of Refugee Studies**, 25(4): 514-536.